

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس

(نمونه موردی: حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، ۱۳۲۵-۱۳۷۴ق. / ۱۹۰۷-۱۸۵۶م.)*

_____ مسعود زمانی**

چکیده

اروپاییان در قرن نوزدهم به علت پیشرفت‌های نظامی، اقتصادی و علمی بازیگران اصلی صحنه جهانی محسوب می‌شدند که انگلستان از جمله مهم‌ترین این قدرت‌ها بود. این کشور، همزمان با دوران قاجاریه در منطقه خلیج فارس از قدرت بسیار زیادی برخوردار بود و با اقدامات متعدد و تکمیل قراردادهای گوناگون، در صدد پیشبرد اهداف استعماری و افزایش قدرت خود در منطقه گردید. حسین قلی خان نظام السلطنه همزمان با این دوران و در فاصله سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۷۴ق. / ۱۹۰۷-۱۸۵۶م. در جنوب ایران و منطقه خلیج فارس از طرف دولت وقت، مأمور حکومت شده بود. وی در مدت حکومت خود در منطقه خلیج فارس، بارها با انگلیسی‌ها درافتاده و با آنها رویاروی شد. نظام السلطنه به عنوان حاکم مناطق جنوب برای حفظ استقلال کشور، تلاش می‌کرد با محدودیت‌های تجاری و گمرکی و ناامن کردن حوزه‌های فعالیت انگلیسی‌ها کار آنان را با دشواری مواجه سازد. چنین به نظر می‌رسد که فعالیت‌های انجام گرفته به دست حسین قلی خان، از جمله فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی وی ضمن آنکه باعث توسعه و پیشرفت منطقه و رونق کار تجار و بازرگانان شده است، مزاحمت‌هایی را برای انگلیسی‌ها فراهم آورده است. مقاله حاضر تلاش دارد به بررسی این موضوع بپردازد. واژگان کلیدی: ایران، قاجار، انگلیس، خلیج فارس، حسین قلی خان نظام السلطنه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۷

** تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵
E-mail: masoud.z6666@gmail.com تاریخ (گرایش مطالعات خلیج فارس) دانشگاه تهران

مقدمه

شاید بتوان گفت کمتر منطقه‌ای در جهان مانند خلیج فارس دستخوش حوادث شگرف و پُر سروصدا در تاریخ بوده است. این منطقه در طول تاریخ چندین هزار ساله خود، شاهد ظهور و سقوط تمدن‌ها و حکومت‌های گوناگونی بوده است. از دوره صفوی اروپاییان به خلیج فارس راه یافتند و تلاش کردند با تسلط بر آن، راه وصول به هندوستان را کوتاه‌تر کنند و سلطه و اقتدار خویش را بر هندوستان و این منطقه برقرار سازند و به اهداف استعماری خود نائل آیند. اولین اروپاییانی که بر خلیج فارس مسلط شدند، پرتغالی‌ها بودند. پس از آنان، پای اسپانیایی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها به این منطقه باز شد. انگلیسی‌ها از قرن هفدهم میلادی وارد خلیج فارس شدند و از همان ابتدا به اهمیت و موقعیت آن پی برده و شروع به تلاش برای کسب قدرت در آنجا نمودند.

ایل مافی که از دوران صفویه حضور خود را در صحنه اجتماعی ایران نمایان کرده بود، در دوره‌های بعد نیز به حیات خود ادامه داد و دارای قدرت و نفوذ فراوان شدند تا آنجا که در دوره زندیه، اصطلاح «شمشیر زند و مافی» در کنار هم‌دیگر کاربرد خاصی پیدا کرد. (شیرازی، ۱۳۶۵: ۲۲۶) خاندان نظام‌السلطنه مافی از جمله خاندان‌های مهم حکومتی در دوران قاجاریه در جنوب ایران و منطقه خلیج فارس بود. چهره‌های سرشناس این خاندان به عنوان کارگزاران و عوامل دولتی در دوره قاجاریه و به ویژه در دوره ناصری و مظفّری در جنوب ایران، حضور سیاسی داشتند و مصدر امور آن مناطق

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۷۱

بودند و در آنجا فعالیت و نقش‌های مختلف را ایفا می‌کردند. این خاندان به مدد داشتن چهره‌های مهم و مشهوری چون حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه، محمدحسن‌خان سعدالملک و رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه از شهرت و نفوذ چشمگیری برخوردار شد و به عنوان کارگزاران حکومتی در شمال، مرکز و جنوب کشور صاحب حکومت و امارت بودند. حکومت آنها در جنوب ایران: در فارس، بوشهر، خوزستان و بنادر و جزایر ایرانی خلیج فارس، گویای ارتباط آنان و برخورد و تماس آنها با شرایط زمانی و مکانی آن منطقه است و روشن می‌سازد که این افراد در طی سال‌های متمادی که در این مناطق حضور داشته‌اند، مصدر فعالیت‌ها، اقدامات و نقش‌های مختلف بوده‌اند. در مقاله حاضر، به این نکته پرداخته خواهد شد که حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی - یکی از کارگزاران حکومتی در منطقه خلیج فارس - در زمینه ارتباط با انگلیسی‌ها چه نگرش و اقداماتی داشته است و سیاست وی در قبال آنها بر چه اصلی استوار بوده است و اینکه آیا این سیاست، موافق یا مخالف عملکردهای انگلیسی‌ها بوده است؟

زندگینامه حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی

حسین‌قلی‌خان مافی، در سال ۱۲۴۸ق. به دنیا آمد. وی تا سن بیست و دو سالگی به تحصیل پرداخت. (اقبال آشتیانی، ابی‌تا: ۳۵) در سال ۱۲۷۰ق. وارد دستگاه حسام‌السلطنه گردید و ابتدا منشی و سپس تفنگدارباشی شد (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۲۰۳) و به خراسان رفت. در سال ۱۲۷۴ق. که حسام‌السلطنه والی فارس بود، وی را به سمت حکومت بوشهر فرستاد.

۷۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

در سال ۱۲۸۷ق. و در سن بیست و نه سالگی به پیشکاری و وزارت اصفهان منصوب شد و به جای شاهزاده ظل السلطان که به مدت شانزده ماه در آنجا حاکم بود، حکومت اصفهان را به دست گرفت. (بشیری، ۱۳۶۳: ۳۱) چهار سال بعد، در سال ۱۲۹۱ق. از طرف معتمدالملک - حاکم گیلان و یزد - به حکومت یزد فرستاده شد و لقب سعدالملک گرفت. مسعودمیرزا ظل السلطان درباره حسین قلی خان به معتمدالملک گفت: «حسین قلی خان که همراه توست و به سعدالملک ملقب است، آدم زرنگی است، کارهایت را به وی رجوع کن». (ظل السلطان، ۱۳۶۲: ۲۳۵-۲۳۴) در سال ۱۲۹۲ق. به حکومت بوشهر و دشتی اعزام شد و حکومت گرمسیرات و سرپرستی ایل عرب را به وی واگذار کردند و در سال بعد نیز به وزارت فارس نائل آمد. وی از سال ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ق. مأمور جمع آوری غلات ایران گشت. سعدالملک در سال ۱۲۹۹ق. مأمور گمرکات جنوب گردید و روانه بوشهر شد. (سعیدی سیرجانی، ۱۳۷۶: ۱۵۲) در سال ۱۳۰۱ق. به حکومت خمسه منصوب شد و چهار سال بعد از آن، در سال ۱۳۰۵ق. به نظام السلطنه ملقب گردید و به حکومت خوزستان اصفهان و چهارمحال بختیاری رسید. (همان: ۳۰۹)

در همین زمان، لقب سعدالملکی و حکومت تمام بنادر و جزایر خلیج فارس به برادرش محمدحسن خان تفویض شد. در تاریخ یکشنبه سوم شعبان سنه ۱۳۰۵ق. سعدالملک مافی نظام السلطنه شد و محمدحسن خان مافی - برادر او - سعدالملک شد. (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۵۶۲) حسین قلی خان در سال ۱۳۱۰ق. والی فارس شد. وی در سال ۱۳۱۲ق. بار دیگر به حکومت خوزستان و بروجرد منصوب گشت و تا سال ۱۳۱۴ق. در

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۷۳

این مقام باقی بود و پس از آن به تهران آمد. نظام‌السلطنه در بازگشت به تهران به وزارت رسید و از طرف امین‌الدوله، وزیر عدلیه و تجارت شد. (امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۲۴۷) اما به دلیل اختلاف با امین‌الدوله، کاری اساسی به وی تفویض نشد. در سال ۱۳۱۶ق. و با روی کار آمدن دوباره امین‌السلطان، رئیس دفتر استیفا و وزیر مالیه شد. در سال ۱۳۱۷ق. به پیشکاری ولایت آذربایجان رفت. در این سفر که مقارن مسافرت مظفرالدین‌شاه به فرنگ بود، رضاقلی‌خان مجیرالسلطنه - برادرزاده وی - منصب ریاست قشون آذربایجان را داشت. حسین‌قلی‌خان در فاصله سال‌های ۱۳۲۳ - ۱۳۱۸ق. را که در تهران به سر می‌برد، از کار برکنار بود. او در همین ایام فراغت، قسمت اعظم خاطرات و یادداشت‌های خود را تحریر کرده است. در سال ۱۳۲۳ق. برای بار دوم به پیشکاری آذربایجان منصوب شد، اما سال بعد استعفا داده، چندین ماه به خمسه (زنجان) رفت و برای مدتی باری دیگر حکومت اصفهان و فارس را عهده‌دار شد و سپس به تهران مهاجرت کرد.

نظام‌السلطنه در ۱۶ ذی‌القعدة سال ۱۳۲۵ق. به صدارت اعظمی رسید (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۶) و از جانب محمدعلی‌شاه مأمور تشکیل کابینه شد. حسین‌قلی‌خان، وزیر مالیه و رئیس الوزرا شد. (بشیری، ۱۳۶۳: ۱۳۶) اکثریت مجلس شورای ملی به وی متمایل بودند (شجعی ۱۳۶۲: ۵۴) و در دوره اول قانون‌گذاری مجلس شورای ملی برای سه‌بار، کابینه‌های ششم هفتم و هشتم را تشکیل داد. (مرواید، ۱۳۷۷: ۱۹۱) در اوایل سال ۱۳۲۶ق. تنها پسرش که میرزااحسن‌خان بود به مرض قُرحه کلیوی دار فانی را وداع گفت و پدر را غمگین و

۷۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

خانه‌نشین کرد و باعث استعفای وی از مقام صدارت شد. حسین‌قلی‌خان سرانجام در سال ۱۳۲۶ق. در سن هفتاد و هشت سالگی دارفانی را وداع گفت. (مافی - اتحادیه، ۱۳۸۶: ۱۶)

وی مردی ادیب، خوش‌ذوق، خوش‌خط، شعرپرور، کاردان و کافی، بسیار زرنگ و موقع‌شناس بود. (بامداد، ۱۳۸۴: ۲۹۲)

مشاغل و مناصب حسین‌قلی‌خان در جنوب ایران، منطقه خلیج فارس و

پس‌کرانه‌ای آن

مشاغل و مناصب حسین‌قلی‌خان در جنوب ایران به قرار ذیل بود: حکومت بوشهر از طرف حسام‌السلطنه - والی فارس - (۱۲۷۴ق.)، پیشکاری و وزارت اصفهان (۱۲۸۷ق.)، حکومت یزد و دریافت لقب سعدالملک (۱۲۹۱)، حکومت بوشهر، دشتی و دشتستان از جانب معتمدالملک - والی فارس - (۱۲۹۲ق.)، حکومت بوشهر و بنادر و گمرکات خلیج فارس (۱۳۰۱-۱۲۹۹ق.)، تصدی حکومت خوزستان و بختیاری و چهارمحال و دریافت لقب نظام‌السلطنه (۱۳۰۵ق.)، حکومت دوباره بوشهر و بنادر و گمرکات خلیج فارس (۱۳۰۹-۱۳۰۸ق.)، پیشکاری نصرت‌الدین‌میرزا سالارالسلطنه - حاکم یازده ساله فارس - و حکومت فارس (۱۳۱۰ق.)، حکومت خوزستان، بختیاری چهارمحال و لرستان (۱۳۱۴-۱۳۱۲ق.)، حکومت دوباره فارس (۱۳۲۵ق.)، (مافی - اتحادیه

(۱۳۸۶: ۱۲۸)

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۷۵

حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی و سیاست وی در قبال فعالیت‌های

انگلیسی‌ها در خلیج فارس

خلیج فارس که در طول تاریخ دیرینه خود، وقایع و حوادث فراوانی را از سر گذرانده بود، با ظهور پدیده استعمار، طی چهار قرن اخیر با تجاوزات پی در پی بیگانگانی مواجه شد که همگی از مغرب‌زمین برای سودایی به این دیار آمده بودند. ایرانیان در مقابل این بیگانگان به خوبی ایستادگی کردند و پرتغالی‌ها و هلندی‌ها را که اولین استعمارگران در خلیج فارس بودند، از آنجا بیرون راندند. آنها در ادامه با انگلیسی‌ها مواجه شدند که در لباس دوست و میهمان ظاهر شده و به تدریج مکنونات قلبی خود را نمایان ساختند.

در دوران قاجار، کرانه‌های خلیج فارس بیش از گذشته مورد تاخت و تاز و قدرت‌نمایی کشورهای استعمارگر، به ویژه انگلستان بود. مأموران انگلیسی خود را فرمانروای کل منطقه خلیج فارس می‌نامیدند و برای زندگی و گذران امور مردم این منطقه تعیین تکلیف می‌کردند. (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۷۹ / فرهمند، ۱۳۸۷: ۳۶۷) پس از جنگ‌های ایران و روس، ناصرالدین‌شاه قصد کرد که از طریق جنگ با انگلیس و شکست آنان در جنوب ایران، آبروداری کند. در این زمان انگلیسی‌ها در سواحل فارس و بوشهر و به خصوص خوزستان حضور و فعالیت داشتند. در آن زمان و خانلرمیرزا بر خوزستان حاکم بود. (۱۲۷۳ق. / ۱۸۵۵م.) وی با آنکه پسر عباس‌میرزا بود، اما مردی جنگ‌نیاموده و ترسو بود. در آن سال، ایران به هرات و افغانستان حمله کرد و انگلیس برای مقابله با وضع به وجود آمده، ایران را از راه خلیج فارس تحت فشار قرار داده و به بوشهر

۷۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

حمله نمود و در نهایت توانست شرایط خاص خود را بر ایران تحمیل کند. (Kelly, 1968: 478) انگلیسی‌ها به راحتی بوشهر را گرفته و در جنگ محمره [خرمشهر] نیز پیشروی کرده و تا اهواز پیش آمدند. در این هنگام، بین ایران و انگلیس صلح شد و آنان هم اهواز و محمره [خرمشهر] را خالی کرده و بازگشتند. (کسروی، ۱۳۳۰: ۲۳۱) حسین‌قلی‌خان مافی در دوران حضور خود در منطقه خلیج فارس، در برابر استعمار انگلیس اقدامات فراوانی در زمینه‌های گوناگون انجام داد که به آنها پرداخته خواهد شد.

الف) آزادی کشتیرانی در کارون توسط ناصرالدین‌شاه و اقدامات ضد استعماری

حسین‌قلی‌خان

تا سال ۱۳۰۶ق. / ۱۸۸۸م. رودخانه کارون برای کشتیرانی بیگانگان آزاد نبود و کسی جز ایرانیان در آن رودخانه رفت‌وآمد نمی‌کردند. در آن سال ناصرالدین‌شاه برای پیشرفت کار بازرگانی، قسمت سفلی کارون را برای کشتیرانی بیگانگان آزاد کرد. (روزنامه ایران، ۱۳۰۶ق: ۲) (روز سه‌شنبه ۲۴ صفر سال ۱۳۰۶ق. برابر با ۳۰ اکتبر سال ۱۸۸۸م.) (تیموری، ۱۳۳۲: ۱۶۶) انگلیسی‌ها و اروپاییان از این کار وی بسیار خوشحال شدند و مطبوعات انگلیس از این امتیاز استقبال کردند. (سایکس، ۱۳۷۷: ۵۲۳) انگلیسی‌ها همواره برای رسیدن به این امتیاز تلاش می‌کردند تا آنجا که حکومت انگلیس در هندوستان اعلام نموده بود که برای آزادی کشتیرانی در کارون حاضر است به دولت ایران کمک

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۷۷

مالی کند. این امر، حاکی از اهمیت آن امتیاز برای آنان از نظر ارتباطات ساحلی خلیج

فارس و حمل مالالتجاره به داخل ایران است. (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۱۳۹، ویلسون، ۱۳۴۸: ۳۰۴)

حسین‌قلی خان ۱۰ سال پیش از آن، برای اجرایی شدن آزادی کشتیرانی در کارون تلاش‌هایی انجام داده بود. «در سال ۱۸۷۸ م. حسین‌قلی‌خان که دومین ایلخان مقتدر بختیاری بود که در این قرن به وجود آمده بود، به آقای مکنزی^۱ که از شرکای دستگاه عظیم تجاری کمپانی گری و پل و مقیم بوشهر بود، برای آزادی تجارت و کشتیرانی در کارون با زمینه مساعد پیشنهاد همکاری داد و کمپانی مزبور هم حاضر شد که در این رودخانه کشتیرانی تأسیس کند، اما اقدام خودسرانه حضرات بختیاری و قدرت بیش از اندازه آنان، حکومت مرکزی را ناخوش آمد و از صدور اجازه خودداری شد». (کرزن، ۱۳۷۳:

۴۰۴)

با این حال، حسین‌قلی‌خان با شرایطی که برای انگلیسی‌ها در مورد کارون گذاشته بود، درصدد مقابله با اهداف استعماری آنان برآمد. ویلسون در این زمینه می‌گوید: شرکت کشتیرانی دجله و فرات انگلیس شروع به کشتیرانی در کارون نمود و برخی از مأمورین دولتی ایران و هم اهالی، دائماً اسباب مزاحمت آنان را فراهم می‌آوردند، اما دولت انگلیس سالیانه مبالغی را به آنها می‌داد که عملیات خود را ادامه دهد. (ویلسون ۱۳۴۸: ۳۰۵) به نظر می‌رسد یکی از مأموران دولتی مزبور، حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی بود که همواره در مقابل انگلیسی‌ها ایستادگی می‌کرد؛ چرا که در آن زمان

1- makenzi

۷۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

حسین‌قلی‌خان حاکم خوزستان و مأمور دولت در آن منطقه بود و از همان ابتدا هم با انگلیسی‌ها مخالفت داشته است.

در نائل شدن انگلیسی‌ها به امتیاز آزادی کارون که برایشان بسیار مهم بود (کبابی ۱۳۷۱: ۳۷) و آغاز تجارت و بازرگانی و کشتیرانی در آنجا که بیش از همه، جنبه سیاسی آن برایشان حائز اهمیت بود، باید به کمک‌های امین‌السلطان به انگلیسی‌ها برای به دست آوردن آن امتیاز اشاره کرد. امین‌السلطان طرفدار سیاست انگلیس بود و در صدور این امتیاز به دست ناصرالدین‌شاه، تأثیر و نقش فراوان داشت.

برادران لینچ انگلیسی اولین بازرگانان خارجی بودند که در کارون کشتی انداختند و به تجارت پرداختند. آنان به شاه، یک کشتی بخاری تقدیم کردند که در همانجا شروع به کار کرد. آنها با جدیت تمام سرویس تجاری دوهفتگی خود را تا اهواز دایر نگه داشتند. از یک طرف، قند و مس و پارچه‌های نخی را به داخل حمل می‌کردند و در بازگشت، گندم و بذر کنجد و محصولات محلی را خریداری و صادر می‌نمودند. (کرزن، ۱۳۷۳: ۴۶۶) بدین ترتیب، خوزستان میزبان تجار خارجی و داخلی فراوانی شد و رونق گرفت.

در این بین، روس‌ها از این امتیاز ناراضی بودند؛ زیرا آن را مخالف منافع خود در ایران می‌دیدند و می‌دانستند که انگلیسی‌ها مدت‌های مدیدی است که به دنبال این بوده‌اند که بتوانند در کارون کشتیرانی کنند و از راه دریا به اهواز دسترسی داشته

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۷۹

باشند. در این زمان، حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه، حاکم خوزستان و از طرف دولت، مأمور آبادی آن دیار بود. (تیموری، ۱۳۳۲: ۱۷۰)

از سال ۱۳۰۶ ق. / ۱۸۸۸ م. که دولت ایران تحت فشار دولت انگلیس، مجبور به آزادی کارون شد، حسین‌قلی‌خان ضمن پذیرش این امتیاز، برای دول خارجی و به ویژه انگلیس، شرایطی را قرار داد و آنها را به دولت نیز گوشزد کرد. از جمله: کشتی‌های خارجی تا زیر سد شکسته اهواز بیایند، از محمره [خرمشهر] تا اهواز در جایی لنگر نیندازند، اسلحه بار نکنند، علم شیر و خورشید داشته باشند و از چوب درختان جنگلی کنار کارون برای آتش و زغال استفاده نکنند. اما انگلیسی‌ها نسبت به رد این شرایط اصرار می‌کردند و در نتیجه حسین‌قلی‌خان که به فکر باج دادن و امتیاز دیگری نبود با انگلیسی‌ها در افتاد. (مافی - اتحادیه، ۱۳۸۶: ۸۰)

از شرایط دیگری که حسین‌قلی‌خان برای کشتی‌های انگلیس گذاشته بود این بود که آنان حق ندارند از سد اهواز بیشتر بروند و آنجا باید کشتی را تحویل ایرانی‌ها بدهند. اما انگلیسی‌ها به این شرط نیز توجه نکردند و از زیر سد گذشتند و به اهواز رفتند. (اتحادیه، ۱۳۷۹: ۸۱). حسین‌قلی‌خان در مورد رفتار و انگیزه انگلیسی‌ها در این زمان می‌گوید: «من قبول این تعهدات نتوانستم بکنم؛ زیرا که حالت بهانه‌جویی انگلیسی‌ها را به انضمام قدرت می‌دانستم». (مافی - اتحادیه، ۱۳۸۶: ۱۴۴). حسین‌قلی‌خان کشتی سوزا را آماده و تجهیز کرده بود و به تجار سپرد که مال‌التجاره خود را با آن کشتی حمل کنند. (اتحادیه، ۱۳۷۹: ۸۱) این کشتی توسط او در خدمت تجارت دریایی ایران قرار گرفت.

به هر صورت نفوذ انگلیس در جنوب ایران از اواسط سلطنت ناصر در حال گسترش بود. مخالفت‌ها و انتقادهای حسین‌قلی‌خان باعث شد در دوره حکومت دوم او در جنوب، رابطه‌اش با انگلیسی‌ها به تیرگی گراید. حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی و برادرزاده‌اش رضاقلی‌خان در طول حکومت خود در جنوب با سلطه روزافزون انگلیس مواجه شدند. این مطلب در خاطرات وی چنین بازتاب یافته است: "بنای مأمورین انگلیس چند سالی بود بر سوء سلوک و اظهار قدرت و بهانه‌جویی در خلیج فارس و خوزستان بود". (مافی - اتحادیه، ۱۳۸۶: ۱۸۶)

عمو و برادرزاده از همان ابتدا با سیاست‌های انگلیسی‌ها به مخالفت برخاستند و با دانستن اهداف استعماری آنان درصدد بودند که دست‌شان را از ولایات جنوبی ایران قطع کنند. به همین دلیل، انگلیسی‌ها که حسین‌قلی‌خان و رضاقلی‌خان را مانعی برای دسترسی به اهداف خود می‌دیدند، به این فکر افتادند که آنان را از منطقه دور کنند. بر همین اساس، وزیر مختار انگلیس در تهران از دولت ایران خواست که این خانواده به مدت پنج سال از خدمت دولتی منتفی باشند. (همان: ۱۹۲) با آگاهی از این امر، می‌توان به اهمیت کار حسین‌قلی‌خان و برادرزاده‌اش در مقابله با استعمارگران پی برد.

ب) برخورد حسین‌قلی‌خان با کارگزاران انگلیسی در منطقه خلیج فارس

از مهم‌ترین گرفتاری‌های نظام‌السلطنه در آن زمان، ورود مسافران انگلیسی به خلیج فارس، خوزستان بود. وی در این زمینه می‌نویسد: «امسال قریب هفت صد

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۸۱

هشتصد تومان ضرر این انگلیسی‌های مسافر عربستان [خوزستان] را کشیده‌ام. نه فایده مالی دارد و نه فایده اعتباری». وی همچنین درباره آمدن جنرال گاردان به خلیج فارس نوشته است: «داستان غریبی از این جنرال گردن [گاردان] دیده شده که چشم روزگار ندیده و گوش کسی نشنیده است. یک پول در دزفول و عرض راه به احدی نداد. مگر آنکه حواله مهمان‌داری که من مشخص کرده بودم، کرد. روزی که می‌خواست از شوشتر حرکت کند، به چهار چاتمه سرباز قراول و هشت نفر آردل توپچی و سرباز، بیست و پنج هزار انعام داده بود و به ده نفر فراش و یک نفر نایب حکومتی یک تومان، قدغن کردم، رد کردند...». (همان: ۸۳-۸۵)

زمانی که لرد کرزن به عنوان خبرنگار روزنامه تایمز به منطقه خلیج فارس آمده بود و در سال ۱۳۰۸ ق. / ۱۸۹۲ م. در شوشتر با حسین‌قلی‌خان دیدار کرد، ضمن ستایش حسین‌قلی‌خان و تشکر از پذیرایی وی، در مورد امتیازات کشتیرانی در کارون گفته بود که نظام‌السلطنه درصدد بود که از عبور کشتی‌های انگلیسی در بالای کارون جلوگیری کند. وی گفته بود نظام‌السلطنه امتیاز کشتی را به کلی برای خود می‌خواسته، که با توجه به مدارک موجود معلوم است وی تنها به فکر منافع ملی و مبارزه با استعمار بوده است.

برخورد حسین‌قلی‌خان با سرپرسی سایکس در سفرش به خلیج فارس را نیز می‌توان بر اساس اهداف ضداستعماری وی دانست: سایکس درباره مأموریتش به وادی کارون و ورود به شوشتر چنین آورده است: "نگارنده حسب‌المعمول ورود خود را به

حکمران محل اطلاع داد و برای اولین مرتبه با اسائه ادب نسبت به اینجانب رفتار شد. حکام سایر نقاط همواره انجام تقاضای قانونی و مشروع مرا با حسن قبول تلقی می‌کردند، اما اینجانب در موقع ملاقات نظام‌السلطنه - والی ایالت - و سعدالملک - برادر وی - نه تنها مراسم ادب نسبت به من در ارگ ایالتی معمول نگردید، بلکه این دو برادر حتی از شناختن رسمی اینجانب نیز امتناع نمودند و تذکرات نگارنده دایر بر اینکه از مرکز نمایندگی بوشهر مراسلاتی به آنها ارسال و از من معرفی کامل به عمل آمده، مفید فایده واقع نشد". (سایکس، ۱۳۷۷: ۷۸) همچنین سایکس در مورد ماجرای مجروح شدن طنفیلد - از مأموران انگلیس در منطقه - می‌گوید: "موضوع مجروح شدن طنفیلد به وسیله مستخدم ایرانی خود از طرف نگارنده مطرح شد و هر دو برادر کمال خونسردی و بی‌علاقگی را نسبت به موضوع ابراز داشتند و سرانجام اینجانب متذکر شدم که از طرف دولت بریتانیا مأموریت دارم که به واسطه حملات سربازان ایرانی اهواز به تجار انگلیس و رعایای بریتانیا مطالبه غرامت کنم. نظام‌السلطنه در این مورد نیز خونسردی نشان داده و اظهار داشت که سربازها نسبت به فرمانده خود نیز تمرد کرده‌اند و او را هم مورد حمله قرار داده‌اند و بدین لحاظ مسئولیتی متوجه من نمی‌باشد. اینجانب اظهار داشتم که وزیر مختار به این جواب‌ها قانع نگردیده و این قبیل مذاکرات به ضرر او تمام خواهد شد و من نیز ناگزیر جریان را به مرکز گزارش خواهم داد. خلاصه کلام اینکه صدر اعظم به وسیله اینجانب به نظام‌السلطنه دستور داد که معادل سیصد پوند بلادرنگ به عنوان غرامت بپردازد و طولی نکشید که دو برادر به واسطه سوء تدبیر از مقام خود منفصل

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۸۳

شدند". (همان: ۷۹) سر پرسی سایکس در مورد زخمی شدن طنفیلد به دست مستخدم ایرانی‌اش بسیار شاکی بود و از حملات اعراب در آنجا بسیار ترسیده بود و به همین دلیل با خود تپانچه حمل می‌کرد. زمانی که لرد کرزن به عنوان فرمانفرمای هندوستان به خلیج فارس سفر کرده بود، حسین‌قلی‌خان درباره او گفته بود: «برخلاف سایکس، این فرمانفرما در کتاب خود از خدمات ما در جنوب خیلی خوب نوشته است». (مافی - اتحادیه ۱۳۸۶: ۲۳۷-۲۳۶)

ج) حسین‌قلی‌خان و درافتادن وی با انگلیسی‌ها در مورد جزایر سه‌گانه

هنگامی که بریتانیا در آب‌های سواحل ایران و عمان به سرکوبی قواسم پرداخت (۱۲۲۴ق/۱۸۰۶م)، اهمیت استراتژیک جزایر سیری، تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را دریافت و پس از ایجاد حکومت‌های تحت‌الحمایه در سواحل جنوبی خلیج فارس و انعقاد پیمان‌های سیاسی و اقتصادی با شیوخ رأس‌الخیمه و ام‌القوین و دبی، از یک طرف مبادرت به حمایت گسترده از آنان در برابر قدرت‌های منطقه به ویژه ایران نمود و از طرف دیگر برای کسب پایگاه دریایی، تلاش کرد تا با دامن زدن به ادعاهای شیوخ، این جزایر را بخشی از قلمرو آنان گرداند. (برزگر، ۱۳۶۷: ۹۷/فرهمند، ۱۳۸۷: ۳۶۸) به دنبال این هدف، انگلستان در منطقه در پی برانگیختن قواسم برای اثبات ناحق حاکمیت آنان بر جزایر سه‌گانه و جدایی آنها از ایران برآمد. این امر در دوران قاجاریه و به‌خصوص دوره ناصری بسیار بالا گرفته بود. ناصرالدین‌شاه خطاب به چرچیل - نخست

وزیر وقت بریتانیا - در مورد جزایر سه‌گانه و ادعاهای انگلستان در مورد آنها گفته بود که برای وی بسیار تعجب‌آور است که سفارت بریتانیا جزایری را که سالیان سال در تصرف ایران و متعلق به ایران بوده، متعلق به قواسم و جدا از ایران می‌داند. وی همچنین ادامه داده است در نقشه‌ای که به تازگی، خود وزیر مختار انگلیس برای من فرستاده است هر سه جزیره با رنگ ایران نشان داده شده و جزو سرزمین ایران محسوب گردیده‌اند. (wolf to marquis of sallsbuo, 1888: 170)

حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه در یادداشتی که به تاریخ دهم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۲ق. / ۲۰ شهریور ۱۲۷۳ش. / ۱۱ سپتامبر ۱۸۹۴م. برای وزیر مختار انگلیس در تهران نوشت، در مورد ادعای انگلیس در مالکیت مشاع قواسم و حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه مطالبی مهم را گوشزد کرده بود. (طبرسا، ۱۳۸۵: ۸۵) وی در یادداشت خود چنین آورده است:

«اینکه اظهار داشته‌اند اجرای حکومت حکام بندر لنگه از بابت این بوده است که حکام بندر لنگه از مشایخ جواسم^۱ بوده‌اند و اجرای حکومت آنان در جزیره سیری از بابت نمایندگی زاده خود بوده و تشبث تعلق جزیره مزبور به دولت علیه نمی‌تواند باشد. این مسأله وقتی قابل استماع می‌تواند باشد که اجرای حکومت بندر لنگه در جزیره مزبور منحصر به همان اوقاتی بوده باشد که حکام بندر لنگه از مشایخ جواسم بوده و ساکنان جزیره مزبور منحصر به طایفه جواسم بوده باشد و حال اینکه هر دو فقره مردود

۱- در اسناد و متون تاریخی دوره قاجاریه هم از قواسم و هم از جواسم استفاده می‌شده است. در این سند حسین‌قلی‌خان از جواسم استفاده نموده و عین آن آورده شده است.

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۸۵

می‌باشد؛ زیرا که در سایر اوقاتی که حاکم بندر لنگه از مشایخ جواسم نبوده‌اند نیز اجرای حکومت مقدره در جزیره مزبور شده است و انقراض مشایخ جواسم در سنه ۱۳۰۶ق. بوده که دو سال قبل از انقراض آنان و پس از انقراض آنان، حکومت بندر لنگه متعدد بوده است. از قرار تفضیلی که ملاحظه می‌فرمایید و از هنگامی که حکام مفصله به حکومت بندر لنگه اشتغال داشته‌اند: حکومت نصرالملک در حکومت مرحوم حاجی معتمدالدوله ۱۲۹۳ق.، حکومت سعدالملک از طرف معتمدالدوله ۱۲۹۴ق.، فرج‌الله‌خان از طرف نصرالملک از ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۷ق.، حکومت جناب نظام‌السلطنه ۱۲۹۹ق.، حکومت جناب سعدالملک در ۱۳۰۰ق. و ۱۳۰۱ق.، نواب محمدحسین میرزا ۱۳۰۲ق.، حاجی محمدمهدی ملک‌التجار از ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۴ق.، حکومت جناب سعدالملک از ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ق.، جناب نظام‌الملک ۱۳۰۸ لغایت ۱۳۰۹ق.، سعدالملک ۱۳۱۰ق. فوادالملک ۱۳۱۱ق. و اینها اجرای انواع تکالیف حکومتی در جزیره مزبور نموده‌اند. سکنه جزیره مزبور انحصار به طایفه جواسم نداشته، بلکه از طوایف مختلفه در آنجا بوده‌اند و اطاعت اوامر و نواهی حکام مفصله را می‌نموده‌اند و حکام مزبور مداخله حکومتی مقتدرانه در آنجا می‌کرده‌اند. علاوه بر اینها اطاعت ایلات و عشایر و سکنه دیگر تنها در مواقع اقتضا و اجرای مقاصد خارج در معاملات است. چنانچه اگر شخصی مستاجر ملکی باشد مضایقه نیست که در مقام حاجت و استغاثه درصدد حمایت و اعانه بنی‌عم خود برآید لیکن در ادای وجه اجاره ملک و امور متعلقه به حقوق ملکی رعایت ایلیت به محض قرابت متصور نیست، الا اینکه آن بنی‌عم او از جانب صاحب ملک، سمت اختیاری در

۸۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

حقوق ملکی باشد. پس همراهی و مساعدت طایفه خود هم در مقاصد و مخارج از حقوق ملکی اگر به ملاحظه طایفگی و قرابت بوده، لیکن در ادای حقوقی که تعلق به ملک دارد، مثل ادای حقوقی که از ورود کشتی‌های مشتمل بر امتعه و حقوق متعلقه به نواحی، که به منزله مالیات است توسط مشایخ جواسم امکان پذیر نبوده است». (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۱۶-۲۳-۱۹-۱۳۰۴ق.)

این سند، مقابله نظام‌السلطنه با انگلیسی‌ها را به خوبی نشان داده است. وی در برابر ادعای انگلیسی‌ها دال بر عدم مالکیت ایران بر جزایر سه‌گانه، به خوبی ایستادگی کرده و هرگز سکوت اختیار نکرده بود.

نتیجه

دوران حکومت قاجاریان مصادف با دوران قدرت‌گیری کشورهای استعماری مانند روسیه و انگلستان در مناطق شمالی و جنوبی ایران و تلاش‌های این قدرت‌ها در آن مناطق بود. انگلیسی‌ها همواره و از زمان رسیدن به این اندیشه که برای تسلط کامل بر هند که بزرگ‌ترین مستعمره آنان به شمار می‌رفت، نیازمند به اعمال قدرت در خلیج فارس بودند، با اقدامات سیاسی، نظامی، تجاری و فرهنگی گوناگون درصدد تسلط بر خلیج فارس برآمدند.

در دوران قاجاریه و به ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه، تلاش ایران در جهت اعمال قدرت در خلیج فارس شکل جدیدی به خود گرفت. در این زمینه از سوی دولت، کارگزاران و

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۸۷

حاکمان مختلف برای انجام دستورات مورد نظر مأمور آنجا می‌شدند. حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه از جمله این مأموران بود که سال‌ها در منطقه خلیج فارس و بنادر و جزایر و مناطق پس‌کرانه‌ای آن حکومت داشت. وی در مدت حضورش در آنجا با انگلیسی‌ها رویاروی شد، زیرا از همان ابتدا به اهداف استعماری‌شان پی برد و درصدد مقابله با آنان برآمد.

نظام‌السلطنه بر سر مواردی چون بحث جزایر سه‌گانه، کشتیرانی در کارون و تعیین حدود اختیارات انگلیسی‌ها در آنجا، اقدامات ضد استعماری در برابر کمپانی‌های انگلیسی مانند کمپانی برادران لینچ، برخورد سرد با کارگزاران انگلیسی از جمله سایکس، با انگلیسی‌ها درافتاد و مانع موفقیت سهل‌آنان در رسیدن به اهداف استعماری‌شان گردید. او به واقع یک ایرانی تمام‌عیار و مخالف سرسخت استعمارگران در کشور بود.

منابع و مأخذ

الف. فارسی:

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۷۹)، رضاقلی خان نظام‌السلطنه مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰)، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، چاپ دوم، به کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۱)، *خلیج فارس و کشورهای جنوبی آن*، چاپ اول تهران: مرکز نشر و تحقیقات قلم آشنا.
- اقبال آشتیانی، عباس (بی‌تا)، «حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی»، مجله یادگار، سوم، ش سوم.
- امین‌الدوله، میرزاعلی خان (۱۳۴۱)، *خاطرات سیاسی میرزاعلی خان امین‌الدوله* به کوشش: حافظ فرمانفرمائی، تهران: انتشارات کتاب‌های ایران.
- بامداد، مهدی (۱۳۸۴)، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری* خلاصه‌نگاری زیر نظر: ذبیح‌الله علی‌زاده، تهران: انتشارات فردوس.
- برزگر، شب‌نم (۱۳۶۷)، «بریتانیا و مسأله جزایر ایرانی خلیج فارس»، مجموعه مقالات فرهنگ و تمدن خلیج فارس (گروه تاریخ دانشگاه تهران)، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- بشیری، احمد (۱۳۶۳)، *کتاب آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران*، تهران: نشر نو.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۹)، *تاریخ مجلس شورای ملی (وزیران ۳۷ کابینه سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۲۵ ق.)*، چاپ اول، به کوشش: عزیزالله علیزاده، تهران: انتشارات فردوس.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲)، *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات*، تهران: انتشارات اقبال.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۷۷)، *تاریخ ایران*، ترجمه: سید محمد فخر داعی گیلانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.

روابط کارگزاران ایران و حکومت انگلیس در خلیج فارس ۸۹

- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی خان (۱۳۷۱)، سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان، به تصحیح: احمد اقتداری، تهران: انتشارات جهان معاصر.
- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر (۱۳۷۶)، وقایع الاتفاقیه (مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ق.)، تهران: نشر پیکان.
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹)، القاب رجال دوره قاجاریه، تهران: نشر نی.
- شجعی، زهرا (۱۳۶۲)، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سخن.
- شیرازی، ابن عبدالکریم علیرضا (۱۳۶۵)، تاریخ زندیه (جانشینان کریم خان زند)، با مقدمه و تصحیح: آرنست بئیر، ترجمه مقدمه: غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات گستره.
- طبرسا، نقی (۱۳۸۵)، «رد نظریه انگلیسی مالکیت مشاع قواسم بر جزایر ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی با استدلال حقوقی-تاریخی»، تاریخ روابط خارجی، ۱۳۸۵، ش ۲۸. سال هفتم، شماره ۲۸.
- ظل‌السلطان، مسعودمیرزا (۱۳۶۲)، تاریخ سرگذشت مسعودی، تهران: نشر بابک.
- فرهمنده، علی (۱۳۸۷)، «کشمکش‌های ایران و انگلیس در جزایر ایرانی خلیج فارس»، مجموعه مقالات فرهنگ و تمدن خلیج فارس (گروه تاریخ دانشگاه تهران)، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۵۴)، روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴-۱۸۶۴)، پژوهشی درباره امپریالیسم، تهران: انتشارات فرانکلین.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کسروی، احمد (۱۳۳۰)، تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران: انتشارات بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ.
- مافی، معصومه و منصوره اتحادیه (۱۳۸۶)، خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- مروارید، یونس (۱۳۷۷)، از مشروطه تا جمهوری (نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت)، تهران: انتشارات اوحدی.

۹۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

ویلسون، سر آرنولد (۱۳۴۸)، **خلیج فارس**، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

روزنامه‌ها:

روزنامه ایران، ۹ جمادی الثانی سال ۱۳۰۶ ق.، شماره ۶۷۷.

اسناد:

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۰۴ قمری، کارتن ۱۹، پوشه ۲۳، سند ۱۶.

ب. انگلیسی:

Kelly, J.B, (1968), **Britain and the Persian Gulf**, Oxford, vol.1.
Wolf to Marquis of Salisbury, (1888), Enclosing instructions to Mr Churchill 14 Aug 1888 and his report 26 Aug 1888, R/15/1/196.